

انقلاب ؛ ناهماهنگی میان ارزشها و شرایط محیطی



○ تحول انقلابی (بررسی نظری پدیده انقلاب)
○ چارلمرز جانسون
○ حمید الیاسی
○ امیر کبیر
○ ۱۳۶۳، ۱۶۸ صفحه، ۵۵۰۰ نسخه، ۲۵۰ تومان

○ رامین حبیب زاده خطبه سرا

درباره ارزشهای به خصوص اتفاق نظر دارند و درباره آنچه درست یا نادرست انگاشته می شود به یکسان می اندیشند . (ص ۳۵) در این تئوری ارزش (value) مفهوم کلیدی است . ارزشها تعیین کننده اهداف جامعه اند و بین افراد جامعه همبستگی ایجاد می کنند . (کوهن ، ۱۳۶۹ ، ۱۳۰)
از نظر جانسون جامعه زمانی در وضعیت تعادلی است که ارزشها و شرایط محیطی آن سازگار باشند و جامعه متعادل ، به طور مرتب تأثیراتی از اعضای خود و از خارج می پذیرد و مجموع این دو ، آن را به هماهنگ ساختن نحوه تقسیم کار با ارزشهای خود وامی دارد که چنین جامعه ای می تواند به طور تدریجی تأثیر پدیده های جدید ، سلیقه های تازه و نفوذ فرهنگی از خارج قرار بگیرد و بدون تجربه کردن انقلاب دائماً دستخوش تغییر و تحول شود .

می کند . جانسون از جمله جامعه شناسانی است که در مکتب اصالت کارکرد ، تئوری انقلاب عرضه کرده است (همان منبع ، ۵۲) به نظر او نخستین وظیفه ای که باید در مطالعه و بررسی انقلاب به طور عام و نمونه های خاص آن در نظر گرفت ، این است که انقلاب را در ارتباط با نظام اجتماعی به خصوصی که آن را احاطه کرده است ، بررسی کنیم ، تجزیه و تحلیل انقلاب مرتبط با بررسی کارکرد جامعه بوده و هر گونه تلاشی برای مجزا ساختن این دو چندان فایده ای نخواهد داشت . (ص ۱۸)

نظام اجتماعی از نظر کارکرد گرایان عبارت است از مجموعه عناصر متغیر که وابستگی متقابل داشته و در حالت تعادل اند . (ص ۵۳) و علت بقای جامعه وحدت ناشی از ارزشهای مشترک است ، به این معنی که جامعه از گروهی افراد تشکیل شده که

همه تمدنها و نظامهای سیاسی کم و بیش پیشرفته ، شاهد وقوع تحولات انقلابی به شکلی از اشکال بوده اند که وقوع متعدد این پدیده در قرن بیستم و تأثیرات پاینده ای که بر جوامع گذاشته ، موجب شده است تا دانشمندان علوم اجتماعی و علم سیاست به بررسی و مطالعه این پدیده اقدام کنند . (بشیریه ، ۱۳۷۴ ، پیشگفتار) که البته دانشمندان بر حسب رشته و حوزه مطالعه خود و رویکردی که پذیرفته اند به مطالعه و بررسی این پدیده پرداخته اند .
گفتنی است که هر کدام از رشته ها ، مکاتب و پارادیمها جنبه های متفاوت این پدیده را بررسی می کنند و به تبع آن ، تبیینهای متفاوتی برای وقوع آن به دست می دهند .

چارلمرز جانسون انقلاب را پدیده ای اجتماعی می داند و آن را از دیدگاه جامعه شناختی بررسی

البته تا زمانی که هماهنگی بین ارزشها و شرایط محیطی آن حفظ گردد این نوع تحولات تدریجی را تغییرات تکاملی (evolution changes) می نامیم. (ص ۷۰)

پس نظام اجتماعی زمانی دچار مشکل خواهد شد که ارزشها نتواند تغییرات محیط را توجیه کند و برعکس محیط نتواند خود را با تغییرات ارزشی سازگار کند. (کوهن ، ۱۳۶۹ ، ۱۳۲)

طبیعتاً جامعه زمانی از وضعیت تعادل خارج می شود که فشارهایی یا از درون نظام اجتماعی و یا توسط تماس فرهنگی (cultural contact) با خارج به جامعه وارد شده و تعادل بین نظام ارزشی و محیط بر هم بخورد ، این فشارها هم می توانند نظام ارزشی و هم می توانند محیط را تغییر دهند . جامعه متعادل در معرض چهار منبع برای تبدیل به وضعیت انقلابی قرار دارد :

- ۱ - منابع درونی تغییر ارزشها : زمانی که صاحب نظران و نوآوران داخلی ، نظام فکری و آراء جدیدی نسبت به ارزشهای حاکم ارائه می کنند .
- ۲ - منابع خارجی تغییر ارزشها : پیدایش

مارکسیسم ، لیبرالیسم و جهانی شدن و ... که از خارج ارزشها را تحت تأثیر و فشار قرار می دهند .

۳ - منابع درونی تغییر محیط : ابداعات ، اختراعات و تغییراتی که در ابزارهای ملموس صورت می گیرد و همچنین حوادث طبیعی از جمله زلزله و خشکسالی و ...

۴ - منابع خارجی تغییر محیط : ورود کالا و تکنولوژیهای جدید از خارج به کشور چنین تغییراتی را ایجاد می کنند (ص ۷۴) هر یک از این منابع تغییر با توجه به قدرت و شدت آن و همچنین میزان توانایی نظام اجتماعی در برابر آن ، تأثیرات متفاوتی بر نظام اجتماعی خواهد گذاشت . هنگامی که یکی از این منابع ، بر نظام اجتماعی تأثیر گذاشت ، یا عناصر مختلف با هم هماهنگ شده به تعادل جدید می رسند که در این صورت اختلالی در نظام اجتماعی موجود ایجاد نخواهد شد و یا اینکه ظرفیت انطباق نظام موجود توانایی ایجاد هماهنگیهای لازم را نخواهد داشت که در این صورت بین ارزشها و شرایط محیطی گسست ایجاد شده و ناهماهنگی بین آنها به مختل شدن حالت تعادل جامعه منجر می شود .

مختل شدن تعادل ، زمانی بروز می کند که فشار وارد شده ، چنان ناگهانی یا شدید باشد که امکان به جریان انداختن روند معمولی صیانت از نظام اجتماعی از نهادهای مسئول سلب شود . (کوهن ، ۱۳۶۹ ، ۱۳۵) اختلال در یک بخش از جامعه به علت نظام وار بودن جامعه باعث اختلال در سایر بخشها و به عبارتی اختلالات چند جانبه (Multiple dysfunction) می شود که در این صورت رژیم حاکم برای حفظ انسجام جامعه می بایست به اعمال زور بپردازد . استفاده بیشتر حکومت از زور وضعیت را پیچیده تر کرده باعث رکود قدرت (Power deflation) می شود یعنی توده مردم استفاده مستمر از زور را غیر مشروع تلقی می کنند که در این صورت رکود قدرت و از دست دادن اقتدار (authority) که هر دو نشانه سرسختی و مصالحه ناپذیری نخبگان سیاسی است می تواند شرط لازم انقلاب به حساب آیند . تا اینجا مقدمات انقلاب فراهم است . ولی علت نهایی و شرط کافی برای وقوع انقلاب ناتوانی نخبگان مصالحه ناپذیر در زمینه پشتیبانی ابزاری اجبار است . این عامل در جوامعی که دچار رکود قدرت و ضعف مشروعیت شده است حرکت انقلابی را سرعت می بخشد و جانسون آنها را عامل شتابزا (accelerator) می نامد . جانسون با ذکر این نکته که شرط کافی برای وقوع انقلاب ، ناتوانی گروه حاکمه در کاربرد وسائل زور و سرکوب است ، به تئوری رئالیستی انقلاب نزدیک می شود ، اما اساساً به نظر او انقلاب تحولی ساختاری و نتیجه ناهماهنگی میان ارزشها و محیط است . (بشیریه ، ۱۳۷۴ ، ۵۳)

اقدام به موقع و مناسب برای اصلاحات می تواند وضعیت انقلابی را به وضعیت عادی برگرداند که لازمه اش آگاهی ، انعطاف پذیری و مهارت سیاسی نخبگان سیاسی است ، البته تعادل جدید با تعادل قبلی متفاوت بوده و همچنین متضمن هزینه برای حاکمان است و هر چه اقدام اصلاحی دیرتر صورت بگیرد ، هزینه ها سنگین تر خواهد بود .

جانسون با ذکر این نکته که شرط کافی برای وقوع انقلاب ، ناتوانی گروه حاکمه در کاربرد وسائل زور و سرکوب است ، به تئوری رئالیستی انقلاب نزدیک می شود ، اما اساساً به نظر او انقلاب تحولی ساختاری و نتیجه ناهماهنگی میان ارزشها و محیط است .

اقدام به موقع و مناسب برای اصلاحات می تواند وضعیت انقلابی را به وضعیت عادی برگرداند که لازمه اش آگاهی ، انعطاف پذیری و مهارت سیاسی نخبگان سیاسی است

منابع
بشیریه ، حسین (۱۳۷۴) انقلاب و بسیج سیاسی ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ دوم
کوهن ، آلون استانفورد (۱۳۶۹) تئوریهای انقلاب ، ترجمه علیرضا طیب ، تهران ، نشر قومس ، چاپ دوم .